

ژولانژیه در هر دو نامه آن تاریخ ۵ خرداد و ۹ مه ۱۹۷۲ جلدین رساله کرده اند  
 که می توانیم به آنها جواب بدهیم. (۱) هیچ چیز ننوشته اند که ما ناراحت کند. برعکس از  
 خواندن نامه شما چون همیشه بطریق دارد - خودتان به بنام خود کسی برای و صفت  
 کرده و پیش من نیارده است. بنده حقیر خود را این گونه در احوال دارم و در هر مورد چنان  
 هم نیستیم که سخن چینی بشنوم و بکنم. (۲) البته به جمع از برای و چاپ زان توئین بسیار مدد مخدوم  
 جمع از برای آنها صورتی است اما مسلم نیست که چاپ آنها چه آید که میفرمایند  
 بنظر من هیچ مانع ندارد که تا از آن مانع گذاشتن خوانش کنند که در وقت زان را در  
 ایران من نبردند. بجز پس فراموش نگوار است. بلکه حاضر باشد که روندش از آنها را از طریق  
 ایران من نبردند. بجز دادی قهر از فراموشی رسد ای - اولاد عنوان آن را بخاطر  
 ندارم - در باره دانه ها شایسته بیایم فرستاد در باره آنها از من نظر فرستاد  
 جوابی به توئین دارم و شاید به دلیل نکات را هم یاد کند که نام این رساله پیش من  
 مانده و من اتمام کرده ام که آن را چاپ بکنم. شاید تا چند ماه دیگر این شکل در  
 عمل شود. داستان دارد با هم و شباهت هم دیده ام که خوانش آن را یک  
 نامه آلمانی داده که چاپ بکنم. من می توانم گفته ای از آن را بویست آوردم. اما  
 چاپ دانستند آنرا که در این نیست (۳) که ترا میفرماید خواندم. هیچ شکی در  
 صمیمیت و صداقت که زان آنها میفرماید و نیست. از خودم بیخبرم با وجود صمیمیتی که  
 شما (و همه ما) فکر کرده اید و میکنید. با وجود شکست برای این در راه اول اجتماع و سیاسی  
 با وجود این همه نارسایی و نارسایی که به چشم من بینیم. با ... از آنجا این همه  
 امید و خوشبینی شما به میگردی فریاد زان می شود و چون میباید برای زان را بگردان.  
 با وقت همه وقت همه عیاره و تنها قوه هم که خواننده اند کرده. در اینجا من میگویم. آن  
 وقت چه باید گفت و کرد؟ خودتان بماند که گفته را میباید وارسته. من در خدمت فقط  
 یک آرزو دارم در آن این است که در ایران بگویم تا در غربت. (۴) همه تا چند جواب  
 نامه ۲۵ خرداد را خودم هم نمی دانم. میگویم نامه ای را این پاسخ میگذارم. شاید که ر  
 گذرستم تا در باره آن فکر کنم. (۵) داستان وقت اطفال را از طریق چینی بر این میفرستم

تندرستی و گاهی با دعا داده است  
 خداوند